



جبهه ملی ایران

چگونه باید با امپریالیسم مبارزه کرد

روش مجلس خبرگان کشور را مآلاً

باستبداد سوق خواهد داد

پیشنهاد جبهه ملی

تشکیل دولت وحدت ملی

برای اداره امور کشور بطور موقت

چاپ دوم

۲۳ ۵۴۲ ۱۳۵۸

- توان بزرگ ملت باید در جهت دگرگونی بنیادهای اجتماعی و اقتصادی
بکار گرفته شود .
- امپریالیسم چیست ؟
- چگونه امپریالیسم بر میهن ما تسلط یافت .
- کودتای ۱۲۹۹ نقطه عطف بزرگ تاریخ میهن ما .
- نخستین مبارزه ضد استعماری ملت ایران
- ملی شدن صنعت نفت نخستین مرحله انقلاب بزرگ ملت ایران .
- حاکمیت امپریالیسم پس از کودتای ۲۸ مرداد .
- چگونه باید با امپریالیسم مبارزه کرد ؟
- اعلام خطر جبهه ملی ایران .
- چگونه میتوان در جهت طرد کامل نفوذ امپریالیسم پیش رفت ؟
- هر نوع استبداد کشور را در اختیار امپریالیسم قرار خواهد داد .
- روش مجلس خبرگان کشور را مآلاً " به استبداد سوق خواهد داد .
- آیا رهبری امام خمینی میتواند نمونه و الگوی نظام آینده ایران قرارگیرد؟
- پیشنهاد جبهه ملی ایران برای اداره امور کشور بطور موقت .

توان بزرگ ملت باید در جهت دگرگونی بنیادهای اجتماعی و اقتصادی بکار گرفته شود

امکان بازگشت ضد انقلاب و یابرقراری هرگونه استبداد باید از میان برود

جبهه ملی در برابر مسائل مهم روز اظهار نظر میکند

آقای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت انقلاب و اولین نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی و منتخب رهبر عالیقدر انقلاب ایران در تاریخ ۱۴ آبانماه بعلت دخالتها، مزاحمتها، مخالفتها و اختلاف نظرها استعفای خود را به حضور امام خمینی تقدیم داشت و اعلام کرد که این علل انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و خود ایشان مدتی است غیر ممکن ساخته و در شرایط تاریخی حساس حاضر، نجات مملکت و به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمیباشد.

در همین زمان موج احساسات و هیجان علیه امپریالیسم آمریکا سراسر کشور را فرا گرفته و مبارزه برای طرد نفوذ استعمار و نابودی امپریالیسم بعنوان شعار روز در همه نقاط میهن ما طنین افکنده است و تا مرحله اشغال سفارت آمریکا بوسیله گروهی از جوانان پرشور میهن پیشرفته است.

وقتی محمد رضا پهلوی، شاه خائن مخلوع بعلت بیماری و یا به بهانه این امر در قلمرو کشور آمریکا مسکن میگزیند و ایادی استعمار و غارتگران بیت المال با استفاده از حمایت آمریکا به تگابومیافتند و با صرف پولهاییکه از این کشور به بغما برده اند می خواهند ضد انقلاب را بر میهن ما مسلط گردانند فریادخشم ملت ناگهان برمیخیزد و طوفانی از هیجانات ملی را علیه امپریالیسم پدیدار میسازد.

در دوران استبداد قسمت عمده استخراج نفت ایران چه بصورت مستقیم و چه بطرق دیگر برفع کشورهای امپریالیستی بتاراج میرفت و آنچه که بایران تعلق میگرفت توسط محمد رضا شاه و نوکران او بطریقی بمصرف میرسید که کمیانیهای خارجی از آن بهره مند شوند و یا بحیب خود آنان سرازیر شود، شاموعمال او از درآمد نفت و از راه غارت ملت ثروت هنگفتی اندوختند و

با خرید سهام و اموال دیگر و یا بصورت وجوه نقدی همه را بخارج انتقال دادند . اکنون بجای آنکه اینهمه ثروت به ایران منتقل شود و در اختیار صاحبان حقیقی و غارت زده آن قرار گیرد با حمایت استعمار جهانی و بر طبق نقشه امپریالیسم غرب از این محل هزینه های توطئه و دسایس ضدانقلاب تا ۲۰مین میشود و هنوز که انقلاب در مراحل سازندگی به ثمر نرسیده است ملت ما را در خطر هجوم ضد انقلاب قرار داده است .

انقلاب بزرگ ایران در حالیکه با مشکلات روزافزون داخلی روبروست از ناحیه امپریالیسم جهانی با طرح توطئه های گوناگون بشدت تهدید میشود .

نغمه شوم حاکمان بغداد که از زبان سفیر عراق در لبنان شنیده شد یکی از علائم برنامه های وسیعی است که در صحنه بین المللی علیه انقلاب ایران طرح ریزی شده است . ملت ایران که برای نابودی استبداد و ریشه کن کردن استعمار در کشور بپا خواسته است اکنون با تمام وجود فریاد میکشد و با احساس تمام برای قطع سلطه امپریالیسم در انتظار است .

جبهه ملی معتقد است که انقلاب بزرگی ملی و اسلامی ایران در مرحله سازندگی روزی بشمر خواهد رسید که نهادهای تسلط امپریالیسم را در هم ریزد و امکان بازگشت ضدانقلاب و یا برقراری هرگونه استبداد را از میان بردارد .

اینهمه فریاد و آنهمه احساس همراه توان بزرگ ملت و نیروی خروشان جوانان ارزنده و فرزندان دلاور میهن در شکوفائی شور و شوق انقلابی باید در جهت دگرگونی بنیادهای اجتماعی و اقتصادی و تغییر اساسی روابط حاکم بر اجتماع بکار برده شود و از این هیجان پر ارزش تاریخی برای ایجاد نظم جدید مردمی استفاده شود ، نظمی که انقلاب را بارورتر سازد و شایستگی ملت را برای تسلط بر همه شئون خود تصدیق و تضمین نماید .

جبهه ملی ایران با توجه بمسئولیتی که در رهبری نهضت ملی ایران برعهده داشته است و با وکوف کامل به رسالتی که اکنون در این مرحله از انقلاب بزرگ ملی و اسلامی برعهده دارد خود را موظف میداند ملاحظات و نقطه نظرهایی را که برای جهت گیری مبارزان انقلابی علیه امپریالیسم جهانی ضرورت دارد مطرح نماید و اذهان آگاه قشرهای مختلف جامعه را در جریان آن قرار دهد و از اینرو توضیحی درباره ماهیت امپریالیسم و چگونگی نفوذ استعمار در میهن ما را در مقدمه این اظهار نظر ضروری میداند .

امپریالیسم چیست؟

امپریالیسم را میتوان ، بطور خلاصه و در چند عبارت ، مکانیزم تسلط کشور و یا کشورهای بزرگ سرمایه داری بر اقتصاد و جمیع شئون مختلف کشور دیگری توصیف کرد . پس از کشف ضروری بخار و اختراع ماشین و بوجد آمدن کشورهای صنعتی در اروپا و الزامات اقتصادی

واحدهای صنعتی مذکور، هجوم این کشورها به آفریقا و آسیا و سایر کشورهای جهان برای تسلط بر مواد اولیه و منابع معدنی و بازارهای محلی آغاز گردید و استعمار در جهان تولد یافت. کشورهای صنعتی غرب بمنظور تهیه مواد اولیه ارزان قیمت برای تولید کالا از یکطرف و بمنظور بدست آوردن بازار برای فروش کالاهائیکه تولید میکردند از طرف دیگر با وسایل نظامی و سیاسی بکشورهای مختلف رسوخ کردند و همه امور جهانی را تحت الشعاع هدفهای اقتصادی خود قرار دادند.

قسمت عمده جنگهای قرون اخیر و تحولات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تغییراتیکه در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی بسیاری از کشورها روی داده است بر اثر اعمال قدرت و اجرای سیاستی بوده است که نظام استعماری برای تسلط بر منابع و ذخائر و بازارهای کشورهای دیگر اعمال میکردند. استعمار جهانی که با صدور و فروش کالا و نفوذ برای تسخیر منابع زرخیز کشورهای غیر صنعتی چهره گریه خود را در جهان نمایان ساخت بر اثر پیشرفت علم و صنعت و ترقی و توسعه تکنولوژی و افزایش قدرت مالی و تمرکز بیش از حد سرمایه تکامل یافت و مرحله امپریالیسم یا بعرضه وجود گذاشت.

اگر در مراحل اولیه سرمایه‌داری، کشورهای استعماری بعلت تسلطی که بر ممالک زرخیز یافته بودند مواد اولیه را با بهای بسیار ارزانی بدست می‌آوردند و کالاهای خود را بقیمت هرچه بیشتر و گرانتر بهمان کشورها و یا کشورهای دیگری می‌فروختند و سودهای فراوانی تحصیل میکردند و در واقع ثروت ملل دیگر را غارت مینمودند پس از رشد سرمایه‌داری بجای صدور کالا بمرور اقدام بمصدور سرمایه نیز کردند.

صدور سرمایه که در اینجا بصورت اصطلاحی برای ارسال وسیله تولید و ماشین آلات بکار برده میشود و علامت افزایش قدرت سرمایه و ایجاد رژیم تکامل یافته سرمایه‌داری است علاوه بر منابع ارزان و بازارهای مناسب برای فروش کالا به قیمت گران مزایای بسیار دیگری نیز در اختیار کشورهای سرمایه‌داری قرار میدهد.

مزد ارزان در کشورهای مستعمره در برابر مزد گران کارگران کشورهای سرمایه‌داری و صرفه‌جویی در هزینه حمل و نقل و دوری از خطرات آن و عوامل متعدد دیگری بوجب درآمدهای سرسام‌آور بیشتری برای کشورهای سرمایه‌داری گردیده است. کشورهای استعماری چه در دوران اولیه استعمار و چه در دوره تکاملی آن که به امپریالیسم مشهور شد، با تکیه بر سرمایه خود ثروت و کار و ذخائر ملل دیگر را به یغما بردند و پیشرفت صنعت را وسیله‌ای برای فریبتر شدن هرچه بیشتر خود و نحیف‌تر کردن هرچه بیشتر کشورهای ضعیف قرار دادند.

این نتایج اقتصادی در قرون اخیر با سانی حاصل نشده است. کشورهای سرمایه‌داری برای آنکه به چنین نتایجی برسند میبایستی بر کشورهای غیر صنعتی تسلط پیدا میکردند و این

تسلط جز از راه زور میسر و ممکن نبوده است .

تسلط استعمار و استقرار امپریالیسم موجب نابودی نسلها و ارزشهای انسانی بسیاری شده است، فجایع و جنایات بیشماری که اوراق تاریخ قرون اخیر را پر کرده همه از آثار چنین پدیده شومی است که علم و صنعت و پیشرفت و ترقی را در خدمت گروهی از آدمیان و برای تباهی و نابودی گروهی دیگر از انسانها قرار داده است . استعمار پیراز تسلط تنها در قلمرو اقتصادی باقی نمانده است . کشورهای استعماری برای آنکه منافع اقتصادی خود را پایدار سازند و نفوذ و قدرت خود را تثبیت نمایند و ملل مختلف را یکباره در اختیار خود باقی نگهدارند به سایر قلمروهای زندگی مردم دست یازیدند . قلمروهای فرهنگی و اجتماعی و دیگر شئون از دستبرد این پدیده مصون نمانده است . هر جا توانستند رسوخ کردند و در راه نابودی همه سنن و افکار و عقاید که میتوانست سدی در راه ادامه نفوذ آنها بشمار آید اقدام نمودند . ما اگر به نفوذ و آثار استعماری در قلمروهای دیگری برخورد میکنیم همه ناشی از تسلط استعمار در قلمرو اقتصادی و بمنظور حفظ و افزایش منافع اقتصادی آنان بوده است . ایجاد قدرتهای استبدادی وابسته که علامت تسلط استعمار در قلمرو سیاسی هر کشور است مهمترین اقدام کشورهای استعماری بشمار میرود . کشورهای استعماری و بخصوص امپریالیستها برای از میان بردن قدرت مقاومت ملل و جلوگیری از اعمال حاکمیت مردم که بر اثر رشد افکار آزادیخواهانه در قرون اخیر وسعت و شدت بیشتری یافته است با استفاده از قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی خود حکومتهای مستبد و جابر را بر ملل دیگر تحمیل کرده و میکنند و جلوی پیشرفت و ترقی معنوی و مادی کشورهای تحت سلطه خویشتن را سد مینمایند . کشورهای استعماری هنگام رسوخ به کشورهای غیر صنعتی قدرتها و طبقات اجتماعی را که متکی به عوامل داخلی و محلی بودند و برای حفظ منافع خود در برابر آنان بمقاومت برخاستند و یا تسلیم امیال و نظرات آنان نشدند در هم کوبیدند و افراد مزدور و عامل بیگانه و گروههایی را که بر اساس اشتراک منافع شکل میگرفتند و طبقاتی را که در وابستگی اقتصادی استعمار بوجود آمدهاند بر سرنوشت مردم آن کشورها مسلط گردانند و روابط اقتصادی جامعه را بنحوی طرحریزی کردند که گردش چرخ اقتصادی و در نتیجه جریان سایر امور جامعه بدون این وابستگی ادامه پیدا نکنند . هدف نهائی امپریالیسم در مرحله تسلط کامل اینست که زندگی روزانه مردم کشورهای تحت سلطه در حداکثر امکان باین وابستگی پیوند زده شود و خارج از اراده استعمار امری تحقق نیابد .

ما در اینجا نمیخواهیم بشرح تحولات اقتصادی و اجتماعی و تاریخی که برای هر یک کتابهای بسیاری به رشته تحریر درآمده بپردازیم . ما میخواهیم با برداشت کلی از مفهوم امپریالیسم و موقعیت آن در میهن ما راه آینده مبارزه را مجسم سازیم .

چگونه امپریالیسم بر میهن ما تسلط یافت

نفوذ استعمار در میهن ما از دوران سلطنت قاجار آغاز گردید. پادشاهان سلسله قاجاریه بعلت فساد و ناتوانی بسیار در برابر خواستها و امیال کشورهای بزرگ استعماری آنزمان تاب مقاومت نداشتند و دولت‌های روسیه و انگلستان موفق شدند امتیازات و منافعی در میهن ما بدست آورند.

انقلاب مشروطیت که قیام ملت در برابر ظلم و ستم و بیعدالتی و فساد و استبداد سلطنت قاجار بود بعد از پیروزیهای بدست آمده در برابر قدرتهای استعماری روس و انگلیس قرار گرفت و با آنکه در مراحل نخست حقوق و آزادیهای قابل ملاحظه‌ای را برای ملت تحصیل کرد و سنتهای فکری و مبارزاتی بسیاری را بارمغان آورد بعلم مختلفی که خارج از بحث ما است نتوانست به کلیه هدفهای خود دست یابد و قدرت ملت را متشکل و تثبیت نماید و کودتای ۱۲۹۹ که توسط رضا خان میر پنج انجام گرفت با آنکه عناوین و ظواهر مشروطیت را حفظ نمود حکومت استبدادی را باشکل و ماهیت جدیدی بر میهن ما مستولی ساخت.

کودتای ۱۲۹۹ نقطه عطف بزرگ تاریخ میهن ما

استعمار انگلستان که بعلت تحولات جهانی بعد از جنگ بین‌المللی اول یک تاز عرصه سیاست جهان شده بود با کودتای ۱۲۹۹ و برقراری حکومت دیکتاتوری رضاخان قدرت و نفوذ خود را در کشورها برقرار ساخت و شرکت نفت انگلیس و ایران که بغارت منابع زرخیز ایران مشغول بود با طراحی کودتای رضاخان اداره واقعی امور کشور را بدست گرفت. کودتای ۱۲۹۹ از این جهت نقطه عطف بزرگ در تاریخ کشور ما محسوب میشود که حکومت استبدادی ایران که تا آن زمان بر قدرتهای داخلی و طبقات اجتماعی حاکم متکی بود قدرت خود را از استعمار بدست آورد و بیک عامل بی‌اراده استعمار انگلستان مبدل گردید.

رضا خان میر پنج بصورت دیکتاتوری خشن قدرتهای داخلی را سرکوب نمود و عوامل استعمار انگلیس را بر سر نوشت ما مسلط گردانید.

ملت دیگر در برابر هیئت حاکمه مستبد داخلی قرار نداشت. دیکتاتور ایران یک عامل استعمار محسوب میگردد و قدرت خود را از ماورا مرزها بدست می‌آورد. اگر ارتش منظم و هیئت حاکمه جدید در اختیار او قرار داشتند این عوامل را استعمار در اختیار او گذاشته بود و روزی که حوادث جنگ بین‌المللی دوم مناسبات بین‌المللی را دچار تغییر ساخت و استعمار وجود دیکتاتور را غیر لازم تشخیص داد در ظرف مدت کوتاهی به خارج کشور تبعید گردید و هیئت حاکمه عامل استعمار همچنان با اداره امور کشور ادامه داد.

نخستین مبارزه ضد استعماری ملت ایران

مبارزات ملت ایران در دوران جنگ بین‌المللی دوم و بعد از آن نخستین مرحله مبارزات ضد استعماری مردم کشور ما محسوب میشود. دکتر مصدق که رهبری نهضت ملی ایران را در دست داشت باین دلیل ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور و قطع نفوذ انگلستان را هدف اولیه خود قرارداد که این شرکت پایگاه امپریالیسم انگلیس و عامل تسلط استعمار و وسیله برقراری حکومت دیکتاتوری در ایران بود. ملی کردن صنعت نفت در واقع هدف انقلابی ضد استعماری نهضت ملی ایران محسوب میگردد. پیروزی دکتر مصدق در برچیدن بساط شرکت نفت جنوب موجب گردید که استعمار از پایگاه رفیع خود بزیر آید و ملت ایران برای نخستین بار در تاریخ اخیر حیات خود اراده خویش را حاکم بر سرنوشت خرد سازد.

ملی شدن صنعت نفت نخستین مرحله انقلاب بزرگ ملت ایران

دکتر مصدق با رهبری مبارزات ملی کردن صنعت نفت به یک مبارزه اقتصادی برای افزایش درآمد نفت اقدام نکرد. او آگاهانه به واژگون کردن روابط استعماری حاکم بر اقتصاد و سیاست کشور پرداخت، روابطی که حاکی از تصمیم‌گیری و تسلط امپریالیسم انگلستان بر همه امور کشور بود. او با پیروی از سیاست موازنه منفی که نظر گاه اصلی سیاسی وی بود همزمان با ملی کردن صنایع نفت، شیلات شمال را نیز که مدتها در بهره‌وری سودجویانه دولت شوروی بود ملی اعلام نمود.

دکتر مصدق نه تنها در اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت پیروز شد بلکه کلیه توطئه‌ها و دسایس سیاسی و اقتصادی دشمن را چه در داخل کشور و چه در مجامع بین‌المللی نقش بر آب کرد و پس از خلع ید از انگلستان و مبارزه برای قطع ایادی این استعمار کهنه کار با تمام قوا در برابر یورش امپریالیسم تازه نفس آمریکا بمقاومت پرداخت و اجازه نداد که آمریکائیان با اجرای امپریالیسم انگلستان بگذارند و تسلط امپریالیسم جایگزین قدرت و نفوذ امپریالیسم دیگر گردد.

موقعی که امپریالیسم آمریکا و انگلیس از توافق با دکتر مصدق مایوس شدند و کلیه کوشش‌های آنان برای شکست نهضت ملی در همه زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و بخصوص در برابر فشار اقتصادی آنان با ناکامی مواجه گردید آنوقت به کودتای نظامی منوئل شدند و با بهره‌وری از امکانات بین‌المللی و بدست شاه خائن و سایر عوامل مزدور خود حکومت دکتر مصدق را ساقط کردند. سقوط حکومت دکتر مصدق نه تنها شکست نهضت ملی ایران نبود بلکه یک مرحله اجتناب ناپذیر برای توسعه و عمیق این نهضت محسوب میگردد.

دکتر مصدق با رهبری داهیه‌ها خود سنتهای فکری و عقیدتی بسیاری برجای گذاشت که

بر پایه اصلی انقلاب بزرگ ملت ایران محسوب میشود.

دکتر مصدق برای استقرار حاکمیت ملی و برقراری حکومت مردم بر مردم میجنگید و معتقد بود تنهادریک جامعه آزاد و پرتو حکومت ناشی از اراده ملت میتوان در راه سعادت جامعه گام نهاد و ملت را بطرف پیشرفت و ترقی رهنمون گردید.

گرچه بر اثر کودتای شاه عامل استعمار دکتر مصدق و همگامان او در بدترین اوضاع و احوال به زندان افتادند و بعضی از ایشان شربت شهادت نوشیدند ولی هیچگاه در برابر امپریالیسم و شاه خونخوار از مقاومت دست برنداشتند. شهادت دکتر حسین فاطمی که امروز مراسم بزرگداشت آنرا برپا ساختیم نمونه فداکاری مردی بود که با دشواریهای بسیار در برابر سلطه امپریالیسم جهانی و نوکران مزدور و فرومایه آن قد برافراشت و در هنگامی با پیشوای ملت ایران صفحه زرینی بردفتر مبارزات ضد استعماری و استبدادی ملت ایران بیافزود.

حاکمیت امپریالیسم پس از کودتای ۲۸ مرداد

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ امپریالیسم امریکا و انگلیس بطور مشترک بر کشور تسلط پیدا کردند و دودمان پهلوی که تا چندی پیش با تکیه بر استعمار انگستان بر میهن ماحکومت میکرد از آن پس با اتکا بر قدرت و سیاست مشترک دو امپریالیسم یکی از خشنترین و خوفناکترین حکومت‌های استبدادی را در کشور ایران برقرار ساخت و عوامل امپریالیست‌ها در پرتو حکومت اختناق و ترور مجدداً شیرازه مملکت را از هم گسیختند و اوضاعی بوجود آوردند که تسلط اقتصادی کشورهای امپریالیستی در اعماق روابط جامعه رسوخ یافت. بر اثر رژیم استبداد ۲۵ ساله محمد رضا پهلوی اساس کشاورزی کشور بنا بودی گرائید. چنانکه تنها در آخرین سالهای حکومت غیر قانونی شاه دولت مبلغی در حدود چهار میلیارد تومان (۴ میلیارد) فقط بابت خرید گندم با ایالات متحده امریکا و اقمار آن پرداخته است. در همین سال از بابت ۶ قلم واردات مواد غذایی مبلغی معادل بیش از نود میلیارد ریال ارز از کشور خارج شده است و حاصل چنین سیاستی فرو پاشیدن نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه روستائی بود همانگونه که در سالهای آخر حکومت شاه حد متوسط مهاجرت مردان کارآمد روستاها بشهر به ۱۷۰ روز در سال بالغ شده است و این شامل ۸۵٪ خانوارهای روستائی کشور بوده است و با اتخاذ چنین رویه‌گسسته‌های روزی بخش و توانای کشاورز در روستا و شهر و شهرکها بکار گیل گرفته میشود.

نتیجه آنکه تولید داخلی در حد توقف و مصرف بی‌رویه در حد اعلا قرار میگرفت و این خواست نهائی امپریالیسم در کشوری بود که از منابع سرشار زیرزمینی برخوردار است پنحویکه نفت از یک در خارج میشد و پول آن که باید صرف برپا شدن تولید داخلی گردد

بصورت پنجاه‌های مصرفی از در دیگر وارد می‌گردد. صنایع بومی کشور از میان رفت و صنایع وابسته و درخیلی موارد غیر ضروری علامت صنعتی شدن تلقی شده است. امروز وضع کشاورزی و صنعتی و بطور کلی اوضاع اقتصادی کشور بصورتی است که وابستگی به خارج بخصوص کشورهای امپریالیستی در همه زمینه‌های زندگی اقتصادی جامعه بچشم می‌خورد و این امر آنچنان قلمرو اداری و اقتصادی جامعه را تحت تاثیر قرار داده است که خطر سقوط در ورطه‌های هولناک و تهدیدهای جدی انقلاب بزرگ در جلوی چشم ما قرار دارد.

چگونه باید با امپریالیسم مبارزه کرد؟

مهمترین رسالتی که در برابر انقلاب ایران قرار دادگستن بندهای وابستگی با امپریالیسم و استقرار مناسباتی است که در آن اصول حاکمیت ملی مستقر گردد و زمینه‌های تنفس تولید ملی ایجاد شود و اساس فرهنگ مصرف بی‌رویه در هم فرو ریزد

برای رسیدن بدین منظور، جبهه ملی ایران تنظیم برنامه‌ای را در زمینه استفاده حداکثر از ظرفیتهای تولیدی و استعدادهای انسانی نهفته در جامعه ایرانی را پیشنهاد مینماید.

بنابراین لازم است در کشور صناعی پای گیرد که به رشد کشاورزی مدد رساند و این صنایع باید قابلیت جذب نیروهای مازاد بر نیاز روستاها را داشته باشد. از سوی دیگر نیز تحول تاریخی این صنایع باید بر ملاحظه نیازهای جامعه ایران مبتنی باشد.

در چنین حرکتی انسان ایرانی محور اصلی برنامه پیشرفت کشور خواهد بود و از اینرو مشارکت همه جانبه مردم ایران اهرم اساسی چنین روند و جهشی بشمار خواهد رفت. شک نیست که مشارکت آگاهانه مردم در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی مناسب و ضد امپریالیسم باید از پیشخوانه عظیم یک فضای سیاسی آزاد حاکم بر جامعه برخوردار باشد.

از یاد نبریم که در شرایط خاص فعلی باید اقدامات عاجل بعمل آید تا سطح تولید در کشور بالا رود و تولیدات کشاورزی و تاجائیکه در عمل مقدور باشد تولیدات صنعتی برای رفع احتیاجات ضروری و فوری جامعه به حداقل لازم برسد. بدون افزایش تولید در قلمروهای کشاورزی و بدون حداقل تولیدات صنعتی گردش زندگی روزانه جامعه متوقف خواهد ماند و گرسنگی و بیکاری و هرج و مرج و درهم ریختگی نظام جامعه زمینه را برای توطئه‌های ضدانقلاب و سایر دسایس امپریالیستها فراهم خواهد کرد.

امپریالیستها بهمین دلیل و برای یک چنین روزی تمام زمینه‌های اقتصادی جامعه را بر طبق نقشه‌های دقیق و استعماری درهم ریختند و نظمی را که با هیاهو و تبلیغات زیاد در دوران استبداد بر سرنوشت ملت حاکم کردند بهمین منظور بود که ملت در رستخیز واقعی در

برابر گویی از مشکلات فرار گیرد و آرمانخواهی جامعه در دست اندازهای سنگین و عمیق بموانع اساسی برخورد نماید .

کسانیکه کوچکترین اطلاعی از قوانین حاکم بر جامعه در دست دارند میدانند بدون تکیه بر تولیدات یک واحد اجتماعی نمیتوان برای مدتی طولانی مقاومت یک ملت را در دنیای امروز و در برابر هجوم های امپریالیستی حفظ نمود و افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی در ارتباط با زندگی جدید بمنظور تامین حداقل نیازهای جامعه محتاج وسایل و روشهایی است که با پیچیدگیهای علم و صنعت و روابط اجتماعی مؤثر در جامعه متناسب باشد . در صورتیکه دستگاه رهبری جامعه قوام و دوامی نیابد و با طرز تفکر منطبق با این نیازها تناسبی نداشته باشد بدون شک سرعت سیر نزولی شرایط سخت زندگی مردم فزونی خواهد گرفت و سقوطی را که امپریالیسم با حوصله در انتظار آنست در پیشروی یک ملت بزرگ و با افکار انسانی و عالی دهانه باز خواهد کرد .

ما در صورتیکه برای بوجرد آوردن حداقل تولیدات مورد نیاز بمنظور رفع حوائج زندگی روزانه مردم و قطع وابستگی های اقتصادی شرم آور و خانمان بر باد ده بمدتی وقت و فرصت احتیاج داریم لاقط موظفیم که در شرایط بعد از انقلاب برای حفظ دست آوردهای انقلاب و صیانت آن از آسیب پذیری و تامین مقاومت مردم زندگی مردم را نجات دهیم .

باید تدابیری اتخاذ شود که بیکاری و نابسامانی در زندگانی روزمره مردم ادامه حیات جامعه را بخطر نیاندازند .

اعلام خطر جبهه ملی ایران

ما باید با کمال تأسف اعلام داریم روشی که هیئت حاکمه بعد از انقلاب در پیش گرفته است ما را از حرکت در چنین جهتی باز داشته است . چنانکه مبارزه برای بدست آوردن قدرت در بین مقامات روحانی همه امور را تحت الشعاع خود قرار داده است .

جبهه ملی ایران در اظهار نظر خود نسبت به حوادث کشور بمناسبت سالروز قیام تاریخی سی تیر و همچنین در اول مهر ما موافقانه با نامه سال جاری ، اوضاع کشور و سیریرا که تحولات بعد گذر پی خواهد داشت بتفصیل تشریح کرده است . قبل از آن آقای دکتر کریم سنجابی که بعنوان وزیر خارجه و بمنظور تقویت دولت موقت در کابینه آقای مهندس بازرگان شرکت نمودند بعلت تعدد مراکز تصمیم گیری و مبارزه قدرتهای خارج از دولت و عدم امکان ادامه چنین وضعی از سمت خود استعفا دادند . آقای دکتر سنجابی پس از کوششهایی که در سطح هیئت دولت و خارج از آن برای برقراری نظم حکومتی دولت انقلابی بعمل آوردند باین نتیجه رسیدند که این کوششها ثمری

نخواهد داشت و تا زمانیکه روحانیون صاحب قدرت به مقتضیات زمان و شرایط روز توجه ننمایند و در روشهای خود تجدید نظر نکنند و در جهت ادامه پیروزمندانه انقلاب بطرف هدفهای عالی انسانی‌گام برندارند بحران افزایش خواهد یافت و انقلاب در مسیر تعیین شده به نتایجی که مورد انتظار بود نخواهد رسید.

اکنون پس از گذشت هفتمه‌ماه سایر وزراء کابینه و بالاخره آقای مهندس بازرگان نخست وزیر بهمان علل و دلایل از کار کناره‌گیری نمودند و ادامه خدمت و اداره مملکت را غیرممکن دانستند. سخنان آقای مهندس بازرگان هنگام تودیع در نخست وزیری در واقع ادعایمانند علیه کسانیکه مانع توفیق نخستین دولت جمهوری اسلامی منتخب رهبر انقلاب گردیدند.

آقای مهندس بازرگان با بر شمردن علل استعفای دولت خود به مسئولیت عواملی که در مدت نه ماه حکومت ایشان عملاً مانع گردیدند که دولت موقت انقلابی به برنامه تنظیمی خود دست یابد تأکید کردند و مسئولیت چنین عناصری را در برابر ملت و تاریخ قرار دادند. آقای مهندس بازرگان در زمینه دشمن اصلی ملت ایران گفت: "درست است که دشمن بزرگ ملت ما امپریالیسم است ولی از آن دشمن مهمتر دشمنی است که در داخل فعالیت میکند و از این دشمن داخلی نباید غافل ماند".

آقای مهندس بازرگان شخصیتی که ۹ ماه در رأس حکومت انقلابی قرار داشت و به تمام مسائل مملکتی آشنائی کامل یافته است نسبت به آینده اعلام خطر کرد که روش مجلس خبرگان در تدوین قانون اساسی جدید به حکومت طبقاتی و انحصاری منجر خواهد شد و بعدها برای کشور دردسر بوجود خواهد آورد و این دقیقاً همان مسائل و موضوعاتی است که جبهه ملی ایران بصراحت در فرصتها مختلف اعلام داشته و هشدار داده است.

اکنون شورای انقلاب به جای دولت موقت زمام امور را بدست گرفته است شورائی که اعضای آن تاکنون از ملت گمنام و مخفی بوده‌اند و برخلاف سنن مربوط به اینگونه شوراها و نیازهای امروز جامعه از روبرو شدن با ملت بطور علنی خودداری کرده‌اند.

جبهه ملی ایران با در نظر گرفتن ترکیب و توانائی این شورا در روبروئی با مشکلات امروزی مملکت و غلبه بر آنها ناچار است با صراحت نگرانیهای خود را از این بابت اعلام دارد. ما با آگاهی که نسبت به طرز تفکر برخی از عناصر تشکیل دهنده شورای انقلاب و مراجع دیگر حاکم بر سرنوشت مردم داریم نمیتوانیم به توفیق جمع مذکور در حل مشکلات مطمئن باشیم.

کسانیکه بعنوان هیئت حاکمه جدید بعد از انقلاب قدرت را بدست گرفته‌اند اصولاً از توجه بمسائل اصلی مربوط به تنظیم برنامه‌های ابتدائی زندگی جامعه دورمانده‌اند و در صورت توجه به این مسائل نیز فاقد آشنائی به نظامی هستند که مقتضیات زندگی امروز جامعه جلب

توجه با نرا ضروری ساخته است .

تنوع و پیچیدگی و ترکیب و ارتباط مسائل اجتماعی و اقتصادی از یکطرف و پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی و ورود آن در زندگی اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر ایجاب میکند که مدیریتی مجهز بشناخت ماهیت و محتوای این مسائل در راس امور قرار گیرد .

علاوه بر انسانی بودن ، علاوه بر مردمی بودن و علاوه بر جهت گیری برای قطع سلطه امپریالیسم که از شرایط اولیه و غیر قابل اجتناب اداره جامعه بعد از انقلاب محسوب میشود آشنائی به علوم و فنون حاکم بر زمان و تخصص در قلمروهای مختلف مطروحه در اجتماع از شرایط ضروری تأمین و توفیق مدیریت برای اداره یک جامعه انقلابی بشمار میرود .
روش و نحوه عمل عناصر تشکیل دهنده شورای انقلاب و سایر مراجع قدرت در چگونگی اداره مملکت موجب طرد و نفی گروههای روشنفکر و آگاه و گاردان جامعه شده است .
جبهه ملی ایران معتقد است صرفنظر از عناصر و گروههایی که آگاهانه در ارتباط و همکاری با رژیم منفور پهلوی و در خدمت سیاست استعماری بودمانند و این عناصر شامل افراد روشنفکر و روحانی و غیر آن بوده است کلیه قشرهای اجتماع هر یک بنحوی در تحقق بخشیدن به انقلاب شرکت داشتهاند و بهر تقدیر جزو ظرفیت اجتماعی جامعه و از سرمایههای میهن ما محسوب میشوند و باید موجباتی فراهم آید که در سازندگی ایران جدید شرکت کنند و نقش خود را در این مرحله از انقلاب نیز ایفا نمایند .
جبهه ملی معتقد است که مجازات مجرمان رژیم گذشته باید قاطعانه انجام گیرد و پاکسازی بر اساس ضوابط صحیح و مدارک روشن در سطوح مختلف اداری و سازمانی صورت پذیرد ، ولی انتقام جوئی و تصفیه حسابهای خصوصی باید محکوم گردد .

چگونه میتوان در جهت طرد کامل نفوذ امپریالیسم پیش رفت

صرفنظر از اقدامات عاجل و فوری که باید با تکیهات از هرج و مرج و تنظیم امور عادی زندگی مردم و امنیت شخصی افراد و اجتماع صورت پذیرد سازمان آینده کشور باید بنحوی پی ریزی شود که در جهت تجهیز جامعه برای قطع هر نوع وابستگی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی با کشورهای مختلف امپریالیستی به پیش برود .

تاریخ نشان داده است و حوادث کشورهای مختلف در دوران معاصر این امر را بوضوح ثابت کرده است که در شرایط اقتصادی و نظامی و اجتماعی جهان حاضر حداکثر مقاومت در برابر کشورهای امپریالیستی در جوامعی بوجود آمده که ملت آگاهانه حاکم بر سرنوشت خود بوده است . دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم از طریق انتخابات آزاد و سالم و در شرایط

آزاد و برعایت حقوق و آزادیهای مردم زمینه اصلی و اولیه برای طرح برنامه مقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم محسوب میشود .

هر نوع استبداد کشور را در اختیار امپریالیسم قرار خواهد داد

در صورتیکه نظام کشور استبدادی گردد استبداد با هر شکل و با هر ماهیتی بدون پایگاه قدرت نمیتواند حکومت کند و دوام بیاورد و از آنجا که حکومت استبدادی در میان جامعه پایگاه نخواهد داشت و از طرف اکثریت یک ملت مورد پیروی و تقویت قرار نخواهد گرفت ناگزیر برای دوام خود بیکی از کشورهای امپریالیستی متکی خواهد گردید .

کشورهای استعماری فقط در برابر نظام دمکراسی و حکومت مردم بر مردم حساسیت و ناراحتی دارند . آنان بخوبی واقفند که نظام استبدادی با هر ترکیب از قشرهای اجتماعی و با هر فردی از افراد جامعه در طول زمان برای ادامه قدرت خود در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و تعادل قدرت در صحنه بین المللی چنین کشوری را سهم این ابر قدرت و یا آن دیگری خواهد کرد .

روش مجلس خبرگان کشور را مآلا به استبداد سوق خواهد داد

روشی که مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی جدید در پیش گرفته است هرگاه موفق گردد و قانون اساسی مصوب چنین مجلسی دقیقاً بموقع اجرا گذاشته شود موجب خواهد گردید که قشر مذهبی ممتاز همانگونه که طلیعه آن از هم اکنون در همجا مشهود است بصورت استبدادی حکومت را در دستگیرد و هرگاه اجرای قانون اساسی چنین مجلسی با بحران روبرو گردد و در عمل بموقع اجرا در نیاید بیم آن میرود که هرج و مرج و از هم پاشیدگی کشور موجب شود تا ضدانقلاب و یاتوطنه دیگری نظام استبدادی جدیدی را بر میهن ما مسلط گردانند .

آیا رهبری امام خمینی میتواند نمونه والگوی نظام آینده ایران قرار گیرد؟

برخی از کسان در توجیه نظام حکومتی که در مجلس خبرگان پیش بینی میشود به نمونه رهبری امام خمینی استناد میکنند غافل از آنکه شخصیت و نقش و تاثیر و رهبری امام خمینی یکی از استثنائات تاریخ تحولات میهن ما محسوب میشود . امام خمینی در شرایطی مافوق هر قانون مدون و مقررات مصوب رهبری مردم را بدست گرفت و انقلاب را به پیروزی رسانید . امریکه در تاریخ گاه بگاه و به ندرت پیش میآید و هنگامیکه روی میدهد خود قوانین و

مقررات مخصوص و شرایط حاکم برای دوران خود تهیه مینماید این امر استثنائی نمیتواند نمونه و الگوی کار برای سازمان عادی و آتی حکومت در شرایط طولانی قرار گیرد و جنبه قراردادی پیدا کند .

پیشنهاد جبهه ملی ایران برای اداره امور کشور بطور موقت

جبهه ملی ایران در حال حاضر با درک درست از مسئولیت تاریخی خود و نتیجه‌گیری از مطالب یاد شده و با توجه به حساسیت فوق‌العاده‌ای که در این روزها از نظر حدوث مخاطرات گوناگون برای کشور وجود دارد و با الهام‌گیری از ایثار و جانبازی شهیدان انقلاب ملی و اسلامی ایران مراتب زیر را تا تشکیل مجلس شورای ملی و انتخابات رئیس‌جمهور جهت بررسی و اتخاذ تصمیم پیشنهاد کرده و معروض افکار عمومی قرار میدهد .

۱- از حضور رهبری انقلاب در خواست میشود نخست وزیر مسئول اداره امور مملکت را انتخاب فرمایند .

۲- رهبری انقلاب حکم بر تشکیل شورای "تفاهم ملی" مرکب از نمایندگان مراجع عالیقدر تقلید و سازمانهای سیاسی و صنفی کشور و رجال ملی نیکنام و مجرب مملکت و معتمدان استانها و قشرهای مختلف مردم و اقلیتهای مذهبی بفرمایند .

۳- نخست وزیر نسبت به تشکیل دولت وحدت ملی اقدام و در ماه مسائل کنونی مملکت با مشاوره شورای تفاهم ملی شروع بکار نماید .

۱۳۵۸/۸/۱۷

جبهه ملی ایران